

دلایل زیان دهی و کاهش سود عملیاتی مؤسسات حسابرسی

حمزه پاک‌نیا

زیان‌دهی و کاهش سود واحدهای اقتصادی مورد حسابرسی ناشی از عواملی نظیر وجود تورم، افزایش سطح دستمزدها، وجود مشکلات در زمینه‌ی تهیه‌ی مواد اولیه، قطعات یدکی، فرسودگی ماشین‌آلات، عدم استفاده از ظرفیت کامل تولید، قیمت‌های دستوری، عدم کارایی و بهره‌وری عوامل تولید، عدم صلاحیت علمی و تخصص و تجربی برخی از مدیران اجرایی، وجود نیروی انسانی مازاد (تورم نیروی انسانی) در مقایسه با اهداف و وظایف، تخصص ناکافی و سطح پایین علمی اغلب کارکنان، ارزیابی غیر واقعی از عملکرد مدیران، تغییرات زیاد و نامعقول مدیریت و کارکنان ارشد و سایر عوامل اقتصادی خرد و کلان است. روشن است که رفع موارد مذکور و مطلوب شدن نتایج عملکرد مالی واحدهای اقتصادی مورد حسابرسی، منجر به ایجاد انگیزه‌ی لازم برای شفاف‌سازی و استقبال از دریافت خدمات حسابرسی، پرداخت به‌موقع و مناسب حق‌الزحمه و کاهش حساسیت نسبت به حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و چانه‌زنی برسر آن خواهد شد.

از سوی دیگر، در مورد زیان‌دهی و کاهش سود مؤسسات حسابرسی می‌توان عوامل زیر را فهرستوار برشمرد:

- ۱- در شرایط رکود تورمی و تداوم دیرپای آن و گسترش و رواج قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های متعدد و متداخل و ناقض یکدیگر، اعمال مغایر با قوانین و مقررات جاری افزایش می‌یابد و تضاد منافع گروه‌های یادشده با منافع و مصالح واقعی مؤسسات شدت می‌گیرد و فاصله‌ی عملکرد (مأموریت) مؤسسات از اهداف واقعی آن روزبه‌روز بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر، بخش قابل‌توجهی از وقت مؤسسات صرف پاسخ‌گویی به خواسته‌های گروه و دسته‌های مختلف می‌شود که این خود بار مالی زیادی را به مؤسسات تحمیل می‌کند.
- ۲- روبه‌رو شدن با مجموعه‌ای از مسائل مختلف که اهم آن‌ها منابع انسانی، قوانین و مقررات محاسباتی و مالی، ساختار تشکیلاتی، وظایف و ارتباط با دستگاه‌های مختلف، موجب سردرگمی یا بروز پدیده‌های غیر قابل‌حل می‌شود و به لحاظ روانی موجب رفتارهای مختلف و غیر قابل‌پیش‌بینی

و پنهان نیروی انسانی در مجموعه می‌شود. چنانچه نقش نیروی انسانی را به‌عنوان بزرگ‌ترین منبع یا ثروت در نظر داشته و پذیرفته باشیم، نبود انگیزه می‌تواند منجر به تضعیف بنیه و عملکرد مؤسسات و در نهایت منجر به زیان‌دهی آن‌ها شود.

- ۳- قانون کار به‌عنوان یکی از قوانین مادر، بخشی از امور مؤسسات را تحت تاثیر قرار می‌دهد که مشکلات اجرای قوانین مالیات و بیمه‌ی کارکنان مؤسسات را نیز باید به آن افزود.
- ۴- استفاده و پیروی از قوانین و مقررات مختلف در مؤسسات، موجب انتظارات و توقعاتی در سازمان و تشکیلات می‌شود که قابلیت رقابتی و سودآوری آن را تحت‌تاثیر خود قرار می‌دهد.
- ۵- عدم استفاده از فناوری‌های جدید. بسیاری از مؤسسات به‌جای استفاده از فناوری‌های مدرن و پیشرفته که به‌طور معمول هزینه‌های بالایی دارد، از روش‌های قدیمی و سنتی استفاده می‌کنند که این خود یکی از عوامل زیان‌دهی است.



۶- نظارت ضعیف

بحث مدیریت و نظارت به عنوان یکی از مشکلات ساختاری بدین صورت مطرح می شود که نظارت های به عمل آمده در حدی نیست که مدیریت در عمل تحلیل هزینه - فایده را اعمال کند و از این رو هزینه ها در برخی از حیطه ها غیر قابل کنترل و بیش از حد افزایش می یابد که این نیز در نهایت منجر به زیان می شود.

۷- عدم استفاده از تکنیک های سیستم اطلاعات مدیریت و بهای تمام شده و هزینه های خدمات

۸- مقایسه و پیش بینی پذیری: در صورتی که مدیریت مؤسسه تصویر شفاف و مناسبی از عملکرد و وضعیت مؤسسه در مقایسه با سایر مؤسسات و عرصه ی اقتصادی کشور نداشته باشد، قادر به تأمین اهداف مورد نیاز نبوده و عملکرد آن مناسب و سودآور نخواهد بود.

۹- ناکارآمدی ساختار و سیستم مدیریت واحدهای مورد حسابرسی و تهیه و تنظیم سوابق مالی و حسابداری و عدم ارائه ی به موقع و مناسب صورت های مالی.

۱۰- عدم تناسب نرخ حق الزحمه ی

حسابرسی در مقایسه با قیمت سایر خدمات و محصولات در سطح کشور و افزایش بهای تمام شده ی خدمات ارائه شده توسط مؤسسات به دلیل افزایش عمومی سطح قیمت ها.

۱۱- عدم برخورد قاطع با سوءمدیریت ها

به ایرادها و مسائل مطرح شده از سوی حسابرسان و بازرس قانونی در گزارش های حسابرسی و بازرس قانونی واحدهای مورد رسیدگی برای طرح و تصویب در مجامع عمومی در اکثر موارد توجه قرار نمی شود و اقدام ها و تکالیف لازم در موارد مطرح شده برای بهبود ساختار مالی و اداری شرکت ها مورد استفاده قرار نمی گیرد و این خود سبب تداوم سوءمدیریت و عدم بهبود عملکرد شرکت ها و در نتیجه افزایش حجم رسیدگی ها فراتر از بودجه ی پیش بینی شده حسابرسی می گردد.

۱۲- وجود مؤسسات حسابرسی کوچک و عدم رعایت قواعد کسب و کار حرفه ی حسابرسی و فقدان ساختار سازمانی و اداری مناسب منجر به

زیان دهی شده، همچنین عملکرد مستقل (جزیره ای) شرکای برخی از مؤسسات حسابرسی ادغام شده موضوع ادغام را بی اثر می کند.

۱۳- فقدان دستورالعمل مدون و لازم الاجرا در زمینه ی محاسبه ی حق الزحمه ی حسابرسی (استانداردسازی حق الزحمه ی حسابرسی در سطح مؤسسات حسابرسی).

۱۴- فاصله ی عمیق و غیر قابل جبران حقوق و مزایای بخش های عملیاتی و اجرایی نسبت به حقوق و مزایای کارکنان مؤسسات حسابرسی و در نتیجه خروج کارکنان ماهر و کمبود نیروی انسانی در حرفه.

۱۵- کامل و شفاف نبودن نتایج عملکرد برخی از مؤسسات حسابرسی موضوع مقایسه پذیری آن ها را با مشکل مواجه می کند.

۱۶- افزایش مبلغ قراردادهای حسابرسی به میزان کم تر از نرخ تورم که باعث می شود نتوان حقوق پرسنل را به مقدار کافی اضافه کرد تا از خروج آن ها از حرفه جلوگیری شود و مؤسسه با زیان دهی مواجه نگردد.